یادداشت روز

دریغ از فراموشی لاله‌ها

«عالم درگیر حادثه عظیم تحولی است که همه چیز را دگرگون خواهد کرد و این تحول، خلاف این دو قرن گذشته، نه از درون تکنولوژی، که از عمق روح مجرد انسان برخاسته است، استمرار این تحول هرگز موکول به آن نیست که تجربه تشکیل نظام حکومتی اسلام در ایران به توفیق کامل بینجامد؛ این امری است که به مرزهای محدود نمی‌ماند و اگر رنسانس، توجه بشر را از آسمان به زمین بازگرداند، این تحول بار دیگر بشر را متوجه آسمان خواهد کرد. این راهی است که انسان فردا خواهد پیمود و چه بخواهد چه نخواهد، لاییسم و اومانیسم در همه صورت‌های آن محکوم به شکست هستند...غرب دوران تاریخی خویش را طی کرده است و اکنون رو به سوی اضمحلال و فروپاشی دارد. غرب و شرق سیاسی هر دو مظاهر تاریخی اومانیسم بوده‌اند و اکنون دوران اومانیسم به سر رسیده. رفع تباین ایدئولوژیک شرق و غرب سیاسی نیز از نشانه‌های تاریخی این حقیقت است. اکنون انسان بار دیگر از زمین و نفس خویش روی‌گردانده است و به عالم معنا و آسمان توجه یافته و این مستلزم انقلاب و تحولی دیگر است خلاف آنچه در رنسانس روی داد. انسان یک بار دیگر تولد یافته است و عصری دیگر آغاز شده و کره زمین پای در آخرین مرحله تاریخ پیش از پایان نهاده است. فتلقی ادم من ربه کلمات فتاب علیه...»*

لطفا متن بالا را چند بار و با صدای آسمانی و ملکوتی سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی بخوانید و درباره آن از منظر یک راحل الی الله بیندیشید. کاش می‌شد درباره جزء جزء این متن و درباره آنها که با گذشت ۲۴ سال، همچنان بر خلاف نظر او و بر خلاف نظر مقتدایان او یعنی امام راحل و حضرت آقا، می‌گویند و برنامه می‌ریزند و مشی می‌کنند، نوشت و گفت. اما موضوع این نوشتار نه پرده‌برداری از برخی خباثت‌ها و خیانت‌ها، که بازخوانی یک دغدغه مدام و یک غفلت طولانی مدت است. بخوانید:

۱-قریب چهار دهه از برپایی نظام اسلامی می‌گذرد. نوزادی که تولدش، خار چشم دشمنان و بر هم زننده خواب شیرین غرب بود، اکنون به سالهای رشد و سر افرازی رسیده است. در کنار این موفقیت‌ها، نمی‌توان و نباید از کارهای برزمین مانده مهم و تعیین‌کننده غفلت کرد. از جمله آنها و موضوع این نوشتار، غفلت از تدوین و تهیه نقشه راه فرهنگ و هنر اسلامی و مسیر حرکت برای رسیدن به مقصد در همه ابعاد آن است. موضوعی که از حیاتی‌ترین راهبردهای یک نظام برخاسته در برابر دشمنان عنود است و معلوم نیست چه وقت و چه گروهی باید به آن بپردازد!؟ البته خبر داریم دستگاه‌های عریض و طویلی، سالهاست جلسه پشت جلسه گذاشته‌اند و معلوم نیست حاصل آن جلسات چه شده و به تدوین کدام دکترین و دستورالعمل منتهی شده است مردم بعنوان صاحبان انقلاب ،کجا ثمر یک هنر دینی و حتی ملی را دیده‌اند!؟

۲-در مقابل این بی‌عملی و غفلت، جریانی برانداز و خانمان‌سوز ،حساب شده و هوشمند، سالهاست چونان موریانه‌ای موذی، از درون به جان فرهنگ و زیرساخت‌های آن افتاده و چراغ خاموش و بی‌سرو صدا، به تخریب باورهای هنری و ارزشی و تحکیم مبانی ضددینی و غربی مشغول است. جای تعارف و مجامله نیست و باید گفت که رهبر عزیز انقلاب، از نخستین سال‌های روی کار آمدن دولت سازندگی، یعنی از سال پایانی دهه شصت ،به صراحت و مستقیما به این روند خطرناک پرداختند و در هر موقعیتی به آن تاختند. هشدارهای فراوان ایشان در خصوص «تهاجم فرهنگی »، در پی غفلت و بی‌توجهی مسئولان وقت، به «شبیخون فرهنگی» رسید و بازهم غفلت و حتی همراهی با دشمن، کار را به طرح موضوع «غارت فرهنگ» از زبان ایشان کشید. در همه آن ادوار، جریانات خزنده و ضددینی، مورد حمایت آشکار و پنهان برخی دست‌ها و دستگاه‌ها بودند و جریانات اصیل و آثار برآمده از دل انقلاب، منزوی و محکوم به طرد بودند. مستند «خنجر و شقایق» ،روایت دردمندانه و هنرمندانه شهید آوینی و همکارانش در قساوت و وحشیگری غرب مدعی تمدن و حقوق بشر، نمونه‌ای فراموش‌ناشدنی در به مسلخ رفتن ارزشی‌ها و بر صدر نشستن بی‌ارزش‌ها و بی‌هنرهاست که کیهان در همان سال‌ها مفصلا به آن موضوع و رفتار صدا و سیمای وقت با آن اثر فراموش نشدنی و صدای مظلومیت مسلمانان اروپا پرداخت. بگذریم از اینکه یکسال بعد از گزارش‌های مستند کیهان، آوینی آسمانی شد و آنان که بیشترین جفا را به او و در اصل به اندیشه اصیل هنر اسلامی کرده بودند، پیش از همه سیاه پوشیدند و ژست ماتم‌زدگی گرفتند!

۳-در خواب خرگوشی آنها که قرار بود بیدار باشند و در حالیکه متولیان تهیه سند هنر و فرهنگ اسلامی، مشغول جلسات بی‌حاصل بودند، ستاره‌هایی درخشان، عمر پرارزش خود را وقف جهاد فرهنگی- هنری کردند. آنها معمولا آماج تندترین حمله‌های جماعت به اصطلاح روشنفکری بودند که از هنر، تنها سکس و آزادی‌های شهوانی و غیرانسانی را یاد گرفته بودند و نهایت آرزویشان «نمایش اتاق خواب» در فیلم‌ها و قصه‌ها بود! ستاره‌های آن شب‌های تاریک اما بی‌توجه به هجمه سنگین تهمت و بی‌اخلاقی، صبور و متوکل، کار کردند و اثر تولید کردند. سید مرتضی آوینی و فرج الله سلحشور، دو رویش برجسته انقلاب اسلامی بودند که رهبر عزیز انقلاب اولی را «سید شهیدان اهل قلم» نامیدند و دومی را «آبرو و اعتبار هنر سینمای ایران»* و هردو را «پیشروان کار انقلابی در این کشور» معرفی کردند. مرحوم امیر حسین فردی در حوزه ادبیات داستانی و تربیت نیروهای ارزشی هم از آن زمره بود که رهبر عزیز انقلاب در حق او فرمودند: «رحمت خدا بر او و بر تلاش صادقانه‌اش» به جز اینها، بودند و هستند جمع دیگری از سربازان و افسران عرصه جهاد فرهنگ و هنر که مظلوم و خاموش، بدون کمترین حمایتی، به کار خویش مشغولند و البته نه تنها بدون کمترین حمایتی، که با انواع کارشکنی‌های آشکار و پنهان به شیوه‌های مختلف. نگاهی به روابط و قراردادهای کوچک و بزرگ اجرایی و مشاوره‌ای برخی دستگاه‌های متولی، با بنگاه‌های بد نام بین‌المللی یا داخلی وابسته به غرب و پیاده کردن نسخه‌های سازمان ملل و ضد ایرانی‌ترین اتاق فکرهای غربی در محیط‌های مختلف فرهنگی و آموزشی و در عرصه‌های گوناگون هنری، و در مقابل پشت در نگه داشتن خلاقانه‌ترین طرح‌ها و هنرنمایی‌های جوانان خالص و مخلصی که عاشقانه دل در گرو انقلاب دارند، گویای این حقیقت تلخ است که با گذشت حدود ۴ دهه از انقلاب، هنوز باید به طلوع ستاره‌ها دل خوش باشیم و از افول و از دست دادن آنها، خسارات جبران‌ناپذیر را تحمل کنیم و هنوز از نگرش سیستمی و پرورش نیروی کار آمد و انقلابی خبری نیست! آن هم با این همه دستگاه و دانشگاه عریض و طویل! آیا جز این است!؟

۴-شاید برخی گلایه کنند که چنین نیست و چنان است! این جمله رهبر عزیز انقلاب در سخنرانی نوروزی امسال ،گویای حقایق بسیاری است: «الان در سرتاسر کشور هزاران مجموعه خودجوش مردمی هست که دارند خودشان کار می‌کنند، خودشان فکر می‌کنند، خودشان تلاش می‌کنند و کار فرهنگی می‌کنند- روزبه‌روز باید توسعه پیدا کنند؛ دستگاه‌های دولتی باید به اینها کمک کنند. دستگاه‌های دولتی، آنهایی که مربوط به فرهنگند، به جای اینکه آغوش خود را به روی کسانی که نه اسلام را قبول دارند، نه انقلاب را، نه نظام اسلامی را، نه ارزشهای اسلامی را باز کنند، آغوش خود را به روی بچّه مسلمان‌ها، به روی جوانهای مؤمن، به روی بچّه‌های انقلابی، به روی بچّه‌های حزب‌اللّهی باز کنند؛ اینها می‌توانند کار کنند و دارند کار می‌کنند؛ کارهای فرهنگی باارزشی دارد انجام می‌گیرد...» این سخنان از زبان رهبر انقلاب، گویای حقایق تلخ بسیاری است که به قدر کافی روشن و گویاست و حداقل آن ،گلایه ایشان نسبت به حمایت از کسانی است که نه اسلام، نه انقلاب ، نه نظام و نه حتی ارزشها را قبول دارند!

حال جای این پرسش است که چرا هنوز منشور هنر اسلامی تدوین نشده و نهادهای مختلف ما نتوانسته‌اند به این رسالت تاریخی عمل کنند؟ آیا آنها زمان کافی در اختیار نداشته‌اند!؟ آیا بودجه‌ای لازم داشته‌اند که پرداخت نشده!؟ آیا و صدها آیای دیگر که بی‌تعارف پاسخ همه آنها منفی است! پاسخ را باید در «باور و نگرش» متولیان امر، به انقلاب و توانمندی‌های اسلامی جامعه خودمان ببینیم. کسانیکه به هر دلیلی مقهور و مفتون غرب هستند، هرگز نمی‌توانند نسخه‌ای علیه جریان حاکم بر جهان بنویسند. تفاوت نگاه آنها را با آنچه از آوینی در ابتدای این نوشتار آوردیم ببینید تا معلوم شود چرا اینجائیم!؟ برای آنها «هالیوود» قبله سینماست و «کن» «اسکار» محراب و مائده آسمانی آن قبله‌گاه! برای آنها «علوم انسانی اسلامی» شوخی خطرناکی است که با همه مظاهر تمدنی جهان منافات دارد و نباید دنبالش را گرفت! برای آنها تبادل فرهنگی معنی دارد نه تهاجم و تبادل هم فقط به معنی ترجمه است و لاغیر! آیا این نگاه و این بینش، می تواند نسخه هنر اسلامی بنویسد!؟ تسلط روحیه واداده در برابر غرب و مکاتب رایج در آن تاجایی است که استاد حسن رحیم پورازغدی صراحتا می‌گوید: « افرادي مثل آويني در ايران بايكوت شده‌اند و نمي‌گذارند مقالات آنها به متن درسي در دانشگاه‌ها تبديل شود. بيش از سه سال است در دانشگاه هنر خواهش مي‌كنم به جاي متون ترجمه شده غربي از متون و مقالات شهيد آويني هم استفاده شود، اما كسي كاري در اين زمينه انجام نمي‌دهد.» انبرد بين دو تفكر انقلابي و وابسته، نبردی حقیقی و مهم است که سرنوشت انقلاب را همین نبرد روشن می‌کند. آنها در تلاش برای استحاله نظام و فرهنگ ملی با همه توان و تجربه اهریمن جهانی هستند و در مقابل، پرچم گفتمان الهی ما ،به دوش جوانان مومن و پاکباخته و محروم از حداقل حمایت‌هاست! کدام تفکر موفق می‌شود!؟ آیا آنها که ژست میانه‌روی و پیوند فرهنگ اسلامی ما با فرهنگ غرب وحشی می‌گیرند، خواهند توانست راه میانه‌ای (!) درست کنند!؟ شهید آوینی در همان مقاله به این پرسش پاسخ می‌دهد: « اگر آنها بتوانند شاخص‌های تفکر مستقل انقلاب را با تفکر غربی جمع بزنند، دیگر امکان ادامه حیات مستقل و بدون وابستگی از ما سلب خواهد شد آنگاه تن به پروستریکایی دیگر -از نوع اسلامی آن- خواهیم سپرد. این امکان وجود ندارد. پروستریکای گورباچف نوعی بازگشت به اصل است، چرا که سوسیالیسم خود از صورت‌های تحقق اومانیسم است. و به این ترتیب، از آغاز هم کمونیسم و دموکراسی دو صورت از تحقق یک امر واحد بوده‌اند و جنگشان با یکدیگر در عوارض است، نه در جوهر. اما جمع شدن با غرب برای حکومت اسلامی جز با عدول از اصول امکان پذیر نیست »

حسین شمسیان

*** مقاله «پروستریکای اسلامی وجود ندارد» شهید سید مرتضی آوینی**

جان کری در بحرین تشریح کرد

رونمایی آمریکا از برجام ۲ مهار قدرت منطقه‌ای ایران

وزیر خارجه آمریکا که به بحرین رفته بود، مهار قدرت منطقه‌ای ایران را گام بعدی آمریکا پس از توافق هسته‌ای عنوان کرد.

جان کری دربازدید ازناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما، وزیر خارجه آمریکا با تأکید بر اینکه چالش‌ها در روابط با ایران همچنان باقی است هدف باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا از دیدار با سران کشورهای عرب خلیج فارس را در نشست کمپ دیوید، بررسی چگونگی حرکت پس از توافق هسته‌ای و پیگیری تغییر رفتارهای ایران در رابطه با فعالیت‌های دیگر تهران اعلام کرد.

جان کری در نشست خبری با همتای بحرینی خود در منامه پایتخت بحرین گفت: هیچ کسی ادعا و وانمود نکرد که (با توافق هسته‌ای با ایران) دیگر چالش‌هایی که می‌دانستیم وجود دارد به یک باره برطرف شود.

کری افزود: بنابراین ما اکنون امیدواریم به علت اینکه توافق هسته‌ای را پشت سر گذاشته‌ایم، مسائل دیگر در کانون گفتگوهای ما قرار گیرد. البته ما کاملا روشن و شفاف گفته‌ایم هر جایی که قطعنامه شورای امنیت همچنان نقض شود یا فعالیت‌های اخلال‌گرانه در این منطقه ادامه داشته باشد یا فعالیت‌ها با هدف ایجاد ناامنی و اخلال در کشور دیگری انجام شود، ما با کشورهای منطقه در تلاش‌ها برای محافظت از امنیت و منافع درازمدت منطقه متحد هستیم و همچنین در تلاش‌های دوستان و متحدانمان در دفاع از کشورهای خود، در کنار آنها ایستاده‌ایم.

وی افزود: پس از توافق هسته‌ای نوبت رسیدگی به سیاست‌های منطقه‌ای ایران و حمایت این کشور از تروریسم است.

جان کری در گفت‌وگو با همتای بحرینی خود برای چندین بار در هفته‌های بعد از اجرای برجام کلید واژه هایی همچون « درخواست تغییر رفتار ایران» و « در کانون گفت‌وگو قرار گرفتن مسایل دیگر میان ایران و آمریکا» را تکرار کرد. پیش از وی نیز اوباما و دیگر مقامات و معاونان دخیل در سیاست خارجی دولت آمریکا نیز چنین اظهاراتی را مطرح کرده بودند که نشان از اقدام و برنامه‌ریزی هماهنگ برای وادار کردن مسولان دولت ایران برای ایجاد مذاکرات در خصوص مسائل دیگری (که به طور حتم برنامه موشکی و حمایت از جنبش‌های مقاوم منطقه خواهد بود) بر سر میز مذاکره بنشیند.

با توجه به مطرح شدن برنامه برخی از مقامات دولت یازدهم در اراده برای آغاز برجام ۲ چنین القا می‌شود که گویا طرف آمریکایی قصد دارد این بار با گروکشی و نگه داشتن لغو تحریم‌های هسته‌ای، دولت یازدهم را وادار به مذاکره بر سر مسائلی کند که خط قرمز نظام‌اند و بارها مقام معظم رهبری در فرمایشات خود بیان داشته‌اند که کسی اجازه مذاکره با آمریکا بر سر مسائلی به جز هسته‌ای را ندارد.

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در اولین روز از سال ۱۳۹۵ در اجتماع انبوه و پرشور زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی علیه‌السلام تاکید کردند: ما مشکلات دیگری داریم، اختلافات زیادی با آمریکا داریم، این اختلافات را باید حل کنیم، این اختلافات بایستی تمام بشود؛ حالا در حلّ این اختلافات، فرض بفرمایید که ملّت ایران مجبور باشد از اصول خود صرف‌نظر کند، از خطّ قرمزهای خود هم صرف‌نظر کند، بکند؛ طرف مقابل از اصول خود و ارزش‌های خود تنازل نمی‌کند لکن اگر لازم شد، ما باید تنازل کنیم تا مشکلات را برطرف کنیم؛ تا در نتیجه کشور بتواند از ظرفیت‌های خود استفاده کند و مثلاً به یک اقتصاد برجسته‌ای مبدّل بشود. حرفشان این است. بنابراین در قضیه هسته‌ای توافق شد و اسم این را گذاشتیم «برجام»؛ برجام دیگری در قضایای منطقه، برجام دیگری در قضایای قانون اساسی کشور؛ برجام ۲ و ۳ و ۴ و الی‌غیرذلک بایستی به‌وجود بیاید تا ما بتوانیم راحت زندگی کنیم. این منطقی است که سعی می‌کنند این منطق را در بین نخبگان جامعه و از سوی نخبگان جامعه به افکار عمومی جامعه منتقل کنند. معنای این حرف چیست؟ معنای این حرف این است که جمهوری اسلامی از مسائل اساسی‌ای که به حکم اسلام و به حکم برجستگی‌های نظام جمهوری اسلامی پایبند به آنها است، صرف‌نظر کند: از مسئله فلسطین صرف‌نظر کند، از حمایت از مقاومت در منطقه صرف‌نظر کند، از مظلومان منطقه - مثل ملّت فلسطین، مثل مردم غزّه، مثل مردم یمن، مثل مردم بحرین- پشتیبانی و حمایت سیاسی نکند، و نظام جمهوری اسلامی با تعدیل خواسته‌های خود، خود را به آنچه طرف مقابل یعنی آمریکا به دنبال تحقّق آن است، نزدیک بکند. معنای این حرف این است که همچنان‌که امروز بعضی از کشورهای منطقه و دولت‌های منطقه، علی‌رغم حکم اسلام و علی‌رغم خواست ملّت‌هایشان با رژیم صهیونیستی کنار آمده‌اند و مسئله فلسطین را تحت‌الشّعاع مسائل دیگر قرار داده‌اند، جمهوری اسلامی هم به همین ترتیب عمل کند؛ معنایش این است که همچنان‌که امروز بعضی از دولت‌های عربی با کمال وقاحت، دست دوستی به سمت دشمن صهیونیستی دراز می‌کنند، جمهوری اسلامی هم با دشمن صهیونیستی کنار بیاید و آشتی کند.

مقام معظم رهبری تصریح کردند: البتّه قضیه به اینجاها ختم نمی‌شود؛ معنای آنچه در آن تحلیل سیاسی دشمن ادّعا می‌شود، این است که اگر میل آمریکا است، جمهوری اسلامی حتّی از ابزارهای دفاعی خود هم صرف‌نظر کند. می‌بینید که بر روی مسئله موشک‌ها چه جنجالی در دنیا به راه انداخته‌اند که چرا جمهوری اسلامی موشک دارد، چرا موشک دوربُرد دارد، چرا موشک‌های جمهوری اسلامی هدف را دقیق می‌زنند و هدف قرار می‌دهند، چرا آزمایش کردید، چرا تمرین نظامی می‌کنید، و چرا و چرا و چرا.

عربستان، پیشتاز صلح‌آفرینی در یمن است

جان کری همچنین در بخشی دیگر از سخنان خود، ایران را به جنگ‌افروزی در یمن متهم کرد و مدعی شد عربستان، پیشتاز صلح در این کشور عربی است.

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

حیوونکی

گفت: جان کری در پاسخ به یکی از خبرنگاران که پرسیده بود؛ چه کسی قرار است به جنایات آل‌سعود در قتل‌عام مردم یمن رسیدگی کند؟ گفته است؛ ما بررسی درباره قتل‌عام یمن را به دولت عربستان سپرده‌ایم!

گفتم: یعنی بررسی و قضاوت درباره قتل‌عام زنان و مردان و کودکان یمن را به آل‌سعود که قاتل آنهاست سپرده‌اند؟!

گفت: خبرنگار هم به همین موضوع اشاره کرده ولی جان کری که وزیر خارجه عربستان هم در کنارش بوده از پاسخ طفره رفته است.

گفتم: خب! دیگه چی؟!

گفت: فقط یکی از خبرنگاران وقتی دیده که جان کری با عجله در حال رفتن است، فریاد زده و گفته است؛ آقای کری اگر به این سوال پاسخ بدهید برای خودتان و کشورتان بهتر است.

گفتم: باید می‌گفت؛ آقای کری، خریتی که تو و دوستان کودک‌کش تو کرده‌اند، خود خر هم در طول تاریخ زندگی خود، نکرده است!

نشنال اینترست:

ایران در حال تبدیل شدن به قدرتمندترین رهبر خاورمیانه است

نشریه آمریکایی در گزارشی نوشت تأثیرگذاری ایران برکشورهای سوریه، عراق ، لبنان و یمن رو به افزایش است و این کشور در حال تبدیل شدن به قدرتمندترین رهبر خاورمیانه است.

نشنال اینترست در گزارشی به سیاست خارجی ایران اشاره کرد و نوشت از نظر تاریخی، راهبرد نظامی تهران بر پایه ترساندن رقبای احتمالی است و این امر به واسطه این حقیقت است که در دو دهه گذشته، ایران قربانی تهاجمات آمریکا بوده است و این امر بر ساختار نظامی ایران تأثیر گذاشته است به طوریکه این کشور با هزینه کم، توانسته از قلمرو خود مقابل تهدیدات خارجی دفاع کند.

طبق این گزارش، در سال‌های اخیر، تعداد خطرات ژئواستراتژیک برای ایران کاهش یافته است. نفوذ ایران در خاورمیانه تقریباً نامحسوس است و به همین دلیل است که ایران در حال تبدیل شدن به قدرتمندترین رهبران خاورمیانه است.

این گزارش می‌افزاید، تلاش‌های راهبردی ایران به این کشور اجازه می‌دهد تا بر اوضاع سوریه، عراق، لبنان و یمن تأثیر گذارد. از سوی دیگر، روابط مستحکم با روسیه، حمایت اقتصادی و راهبردی را در اختیار ایران قرار می‌دهد.

به گزارش فارس، نشنال اینترست در پایان نوشت: ایران به واسطه برنامه‌ریزی راهبردی می‌تواند مرزهای خود در خاورمیانه را مورد محافظت قرار دهد. نفوذ سیاسی این کشور تدریجاً رو به افزایش است و احتمالاً روزی به توازن قدرت در منطقه دست می‌یابد.

خبر ویژه

بازی با آمار شغل درست نمی‌کند

با وجود وعده‌های ۲ ساله دولت درباره کاهش نرخ بیکاری و رساندن آن به نرخ تک‌رقمی (زیر ۱۰ درصد)، این نرخ در سال ۹۴ افزایش یافت.

به گزارش روزنامه‌های اعتماد و شرق و به نقل از گزارش مرکز آمار، نرخ بیکاری در سال ۹۴ با چهاردهم درصد افزایش نسبت به سال ۹۳، به ۱۱ درصد رسید. دولت در سال ۹۳ ادعا کرده بود نرخ بیکاری را کاهش داده و در سال ۹۴ این نرخ را به زیر ۱۰ می‌رساند.

براساس این گزارش در سال ۹۴ شهرنشین‌ها بیشتر از روستاییان زیر تیغ بیکاری بودند. نرخ بیکاری برای سال ۱۳۹۴ در مناطق شهری کشور ۱۲/۲ و در نقاط روستایی ۸/۱ درصد گزارش شده است.

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد، ۹ استان کشور نرخ بیکاری تک‌رقمی و ۲۲ استان نرخ بیکاری دورقمی را در سال گذشته تجربه کرده‌اند؛ در حالی که در سال ۹۳ حدود ۱۹ استان نرخ بیکاری دورقمی داشته‌اند. ۱۹ استان کشور دارای نرخ بیکاری بالاتر از میانگین (۱۱درصد) هستند.

نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله حاکی از آن است که ۲۶/۱ درصد از جمعیت فعال در این سن بیکار بوده‌اند. نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله نیز حکایت از آن دارد که ۲۳/۳ درصد از جمعیت فعال این گروه سنی بیکار هستند.

سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی در کشور ۹/۸ درصد است اشتغال ناقص زمانی شامل تمام شاغلانی است که در هفته مرجع (هفته سرشماری شده) حاضر در سر کار یا غایب موقت از کار به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری و پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... بودند و کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده و آماده برای انجام کار اضافی در هفته مرجع بوده‌اند.

بیشترین نرخ بیکاری را استان کهگیلویه و بویراحمد با ۱۷/۷ درصد داشته است.

براساس این گزارش بخش صنعت با ۰/۶ درصد افت اشتغال مواجه شده است. نرخ بیکاری از ۱۰/۴ درصد در سال ۹۲ به ۱۱ درصد در سال جاری رسیده است.

یادآور می‌شود مرکز آمار ایران مهرماه سال ۱۳۹۳ ادعا کرده بود نرخ بیکاری در تابستان ۹۳ تک‌رقمی شده و به ۹/۵ درصد رسیده است. اما بررسی‌های بعدی معلوم کرد ۶۷۰ هزار شغل در همان سال از بین رفته است. چند روز بعد سعید لیلاز عضو مرکزیت کارگزاران تصریح کرد: نرخ بیکاری ۱۶ تا ۲۰ درصد است و نه ۹ درصد.

حسین راغفر اقتصاددان نیز همان زمان گفته بود: انتشار نرخ بیکاری فصلی در تابستان امسال به ۹/۵ درصد از یک سو و آشکار شدن از دست رفتن ۶۷۰ هزار شغل در بخش‌های اقتصادی، کشاورزی، صنعت و خدمات ایران در این مدت نشان از خلأها و ابهام‌های زیادی در انتشار و تبیین داده‌های آمار اشتغال و بیکاری کشور دارد.

راغفر همچنین اظهار داشت: «گزارش مرکز آمار گزارشی ناقص است. به این معنا که باید در کنار این نرخ‌های منتشر شده توضیح‌های مناسبی هم ارائه شود. توضیح در این باره که چرا نرخ مشارکت کاهش یافته علی‌رغم آن که روز به روز به جمعیت جویای کار در کشور اضافه می‌شود و یا این که چرا با کاهش ۶۷۰ هزاری مشاغل در سال گذشته نرخ بیکاری کاهش پیدا کرده است؟»

این اقتصاددان اصلاح طلب گفت: «اگر ما آمار اشتغال ناقص را در کنار آمار اشتغال مطلق قرار دهیم، نرخ بیکاری به بالای ۳۰ درصد خواهد رسید. رقمی که هیچ‌گونه نسبتی با رقم منتشر شده از سوی مرکز آمار ندارد. انتشار چنین گزارش‌هایی می‌تواند مشکلات فراوانی را برای کشور به دنبال داشته باشد. زیرا انتشار این آمارهای ناقص حساسیت مسئولین در مورد این موضوع و اعتماد مردم نسبت به آمارهای رسمی را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن انتشار چنین آمارهایی این شائبه را به وجود می‌آورد که این داده‌ها داده‌هایی سیاسی هستند؛ اتفاقی که می‌تواند خطر بزرگی را برای کشور داشته باشد.»

هاشمی از توئیت رضایت داشت

مشاور هاشمی رفسنجانی نوشت: مسئول سایت به خود من گفت وقتی این توئیت را انتخاب کردم و بازتاب و آمار دیدن آن را خدمت آیت‌الله گزارش دادم، اعلام رضایت کردند.

به گزارش جهان‌نیوز، غلامعلی رجایی که در رسانه‌های اصلاح‌طلب به عنوان منبع موثق ارائه صحیح‌ترین اخبار از آقای هاشمی شناخته می‌شود، طی یادداشتی در روزنامه شرق، اعتراف جالبی درباره مدیریت توئیتری منتسب به آقای هاشمی کرده است!

نزدیکان آقای هاشمی طی چند روز اخیر، تلاش زیادی کردند که او را از زیر بار جمله معنادار «دنیای فردا، دنیای گفتمان‌هاست نه موشک‌ها...» که در توئیتر منتشر شده بود، برهانند، ولی یادداشت امروز غلامعلی رجایی حاوی یک نکته قابل تأمل‌تر است.

مشاور هاشمی در بخشی از این یادداشت در توجیه عدم انتساب توئیت مذکور به هاشمی و تبلیغ آن در سایت رسمی وی نوشته است: «ایشان بر سایتشان نظارت دوری دارند و سایتشان تحت نظارت فرزند ارشدشان مهندس محسن هاشمی و با کمک بعضی مشتاقان هاشمی- نظیر مسئول فعلی سایت- اداره می‌شود و آیت‌الله به دلیل پرداختن به مسائل کلان کشور و مجمع و منطقه و... فرصت رسیدگی به چنین امور جزئی و ورود به چنان موردهایی را نداشته و ندارند و دیگر اینکه ایشان همان‌گونه که گفته‌اند، اساساً توئیتی ندارند و هرکس ادبیات این توئیت‌ها را که منسوب به ایشان است نگاه کند، درمی‌یابد ادبیات به کار رفته در این توئیت‌ها ادبیات هاشمی نیست. مثل توئیتی که در مرگ مرحوم آیت‌الله طبسی منتشر شد که: خداحافظ رفیق روزهای سخت!»

رجایی اما در ادامه نکته قابل توجهی را درباره رضایت هاشمی از توئیت «خداحافظ رفیق روزهای سخت!» که انتخابی و غیرهماهنگ شده با وی بوده می‌نویسد: «مسئول سایت به خود من گفت وقتی این توئیت را انتخاب کردم و بازتاب و آمار دیدن آن را خدمت آیت‌الله گزارش دادم، اعلام رضایت کردند.»(!)

در کنار اعلام رضایت آقای هاشمی از توئیت‌های اینچنینی که بازتاب و آمار قابل توجهی دارد، یک نکته قابل تأمل این است که توئیت مربوط به موشک‌ها نیز از همان ساعات اولیه با بازتاب و آمار قابل توجهی روبه‌رو شد و طبیعتاً مدیر سایت باید گزارش این توئیت جنجالی را به جناب هاشمی داده باشد. اگر اینگونه است که ظاهراً طبق اعتراف مشاور ایشان باید روال همین باشد، بنابراین آقای هاشمی روزهای متعددی برای تکذیب یا تصحیح آن فرصت داشته‌اند!

از سوی دیگر وقتی نزدیکترین افراد به آقای هاشمی مسئولیت تبلیغات رسانه‌ای او را برعهده دارند، عدم هماهنگی و ندانستن مواضع به روز وی، قابل قبول نیست.

اعلام رضایت هاشمی از توئیت کذایی در حالی است که وی بعد از گسترش اعتراض عمومی، علیه همان توئیت موضع‌گیری کرده بود. به گزارش دفتر هاشمی وی در این موضع‌گیری که در ضمن یک دیدار نوروزی اتخاذ شد، گفته بود: تقویت قدرت موشکی کشور را لازم می‌دانم.

فرهیختگان: بسته‌های دولت درد رکود را درمان نمی‌کند

«فعالان بخش خصوصی می‌گویند بسته‌های ضد رکود دولت، دردی را دوا نمی‌کند.»

روزنامه فرهیختگان ضمن انتشار این ارزیابی خاطرنشان کرد: تحریم‌های اقتصادی علیه ایران برداشته شد اما هنوز دولت با مشکل بزرگ‌تری روبه‌رو است.

مشکلی به نام رکود که اقتصاد کشور را در خود بلعیده است. پارسال دولت بسته خروج از رکود را اجرایی کرد که فاز نخست آن منجر به تحرک مقطعی در بخش خودرو شد و بخش دیگر آن که مربوط به کارت اعتباری خرید کالای ایرانی است هنوز اجرا نشده است.

اینکه آیا این بسته دولت کمکی به خروج اقتصاد از رکود کرد یا نه، حالا دیگر مهم نیست. مهم سال جدیدی است که اقتصاد بدون تحریم‌ها را پیش روی قرار داده است.

حسن روحانی رئیس‌جمهوری هم در نخستین اظهاراتش در سال ۹۵، خروج اقتصاد از رکود و رسیدن به رشد اقتصادی پنج درصدی را در سال جدید نوید داد. بخش صنعت و مسکن که به عنوان پیشران‌هایی که می‌توانند کمک زیادی به خروج اقتصاد از بحران رکود کنند، از سوی ناظران اقتصادی مطرح شده است. ولی هنوز این دو بخش مهم اقتصادی در خواب زمستانی هستند و نیاز به محرک‌های جدی‌تری برای کمک به خروج اقتصاد کشور از رکود دارند.

هوشنگ ادهمی عضو اتاق بازرگانی ایران، می‌گوید: «دولت در سال گذشته تلاش کرد تورم را مهار کند و رودخانه لجام گسیخته‌ای به نام تورم را سد کند؛ اما متأسفانه آب رودخانه را خشکاند. تورم کاهش یافت اما رونق اقتصادی پدید نیامد. درحالی که رونق اقتصادی و خروج اقتصاد از رکود از طریق گردش نقدینگی و توسعه اقتصادی به وجود می‌آمد.

پدرام سلطانی نایب رئیس اتاق بازرگانی نیز معتقد است: اقتصاد با بسته از رکود خارج نمی‌شود. من فکر می‌کنم با بسته نمی‌توان اقتصاد را از رکود خارج کرد. چراکه شاید مهم‌ترین اثر این بسته‌های خروج از رکود کند کردن آهنگ عمیق‌تر شدن رکود است.

همچنین اسدالله عسگراولادی رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و روسیه می‌گوید: «بسته خروج از رکود دولت در سال گذشته آن‌طور که باید شفاف نبود. به‌طوری که کشاورزی و صادرات در آن دیده نشد و گویا فقط برای سود چند کارخانه خودروسازی اجرا شد که به نظر من کارساز نبود. درحالی که تلاش دولت باید بر مبنای جذب حداکثری سرمایه در کشور باشد. این موضوع هم جز با کمک بخش خصوصی و به گردش درآمدن سرمایه‌های مردم محقق نخواهد شد.

نگرانی سایت حامی دولت برای اختیارات زیاد رئیس دفتر روحانی

یک سایت حامی دولت از رشد بیش از اندازه و دور از اندازه رئیس دفتر رئیس جمهور ابراز نگرانی کرد.

انتخاب نوشت: رشد بیش از اندازه و به دور از نظارت جایگاه رئیس دفتر رئیس جمهور، اگر در دولت احمدی‌نژاد بد بود، به طور حتم در دولت روحانی نیز باید مورد نقد قرار بگیرد؛ اینکه همواره رؤسای دفتر رئیس جمهور، دور از رئیس جمهور در هیئت دولت می‌نشستند، اما فقط همین دو دوره اخیر است که رئیس دفتر، چسبیده به رئیس جمهور می‌نشیند، جایگاهی عجیب و شگفت‌انگیز!

انتخاب با اشاره به ماجرای مشایی و فربه شدن جایگاه وی در حد معارفه با وزرا نوشت: در دولت یازدهم نیز این روند ادامه پیدا کرد. اولین فردی که روحانی انتخاب کرد، پست ریاست دفتر رئیس جمهور بود. نهاوندیان چهره‌ای آرام، همه کاره دفتر رئیس جمهور شد، دفتری که دیگر نه تنها «دفتر رئیس جمهور» است، بلکه در قامت رئیس جمهور ظاهر می‌شود، موضعی بالا نسبت به وزرا و معاونین رئیس جمهور دارد؛ با این تفاوت که به کسی پاسخگو نیست و نظارتی نیز بر آن نمی‌شود.

نهاوندیان و مشایی، تنها رؤسای دفتر رؤسای جمهور هستند که چسبیده به رئیس جمهور، در هیئت دولت می‌نشینند و در همه کارها، قدرت دخالت دارند؛ مسئله‌ای که در دولت احمدی‌نژاد، تأثیری منفی بر رئیس دفتر او گذاشت و باعث شد، نام «مشایی» در عمده جریان‌های اقتصادی- سیاسی مشکوک و دچار اشکال، به چشم بخورد، آنهم به دلیل فضایی فاقد نظارت و بازرسی که امکان